



فرخنده باد نودمین سالروز پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

* سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب در
نشست بزرگ احزاب کارگری و کمونیستی به
مناسبت نودمین سالگرد پیروزی اکتبر
* گزارش هایی از برگزاری جشن های
سالگرد انقلاب اکتبر در مسکو و "دانشگاه
کمونیسم" در انگلستان

ادامه در صفحه ۴ و ۵



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۷۷، دوره هشتم
سال بیست و یکم ۱۷ آبان ماه ۱۳۸۶

حزب توده ایران:
بازداشت، محاکمه و صدور احکام ناعادلانه برای فعالان
سندیکایی و
اعمال فشار و پرونده سازی بر ضد نیروهای ملی
را محکوم می کند!
در صفحه ۲

جنگ و صلح و وظایف مبرم نیروهای مترقی و آزادی خواه

مبارزه زنان، اقدام بر ضد امنیت ملی یا بر ضد امنیت ولایت فقیه

بار دیگر رژیم ضد مردمی و زن ستیز ولایت
فقیه در کنار سرکوب نیروهای مترقی از جمله
فعالان کارگری، دانشجویی، معلمان و فعالان
حقوق بشر، زنان را نیز از یاد نبرده و "مهرورزی"
خود را شامل حال آنان نیز کرده است تا یک بار
دیگر ثابت کند که در حکومت فقیه یگانه برابری
برای زنان، برابری در زندان، شکنجه و سرکوب
است.

هنوز صدای رئیس جمهور "مهرورز" در دانشگاه
کلمبیا در باره آزادی زنان در ایران که گویا "از
همه جای دنیا بیشتر است." از یادها نرفته که
بیدادگاههای رژیم از طرفی احکام سنگین را برای
زنان تدارک می بیند و از طرف دیگر لایحه حمایت
خانواده یا به قول زنان تزلزل خانواده در مجلس
فقیه در انتظار تصویب است. به علاوه معاون اول
رئیس جمهور در هفته گذشته در دیدار با مشاوران
امور بانوان دستگاههای اجرایی یک بار دیگر از
"پیگیری" کاهش ساعات کاری زنان خبر داد.
همچنین بنا به گزارش رسانه ها سهمیه بندی

ادامه در صفحه ۳

ابراهیم تاریک تشنج و درگیری همچنان بر فضای میهن ما سنگینی می کند و نگرانی
های جدی نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور را برانگیخته است. افزون بر این تشدید
تخریب های اقتصادی، و خطر گسترش ابعاد آن در پی نشست آتی شورای امنیت و
بررسی مجدد مسئله ایران، می تواند به فشارهای هرچه سنگین تری بر زندگی مردم
عادی کشور ما منجر گردد. بر خلاف نظریه بیمارگونه سران رژیم که "جنگ را برکت"
اعلام کرده و می کنند تجربه دهشتناک هشت سال جنگ خانمان سوز عراق و ایران که
به کشتار صدها هزار جوان و تخریب بخش های وسیعی از جنوب کشور منجر شد موبد
این واقعیت است که هرگونه درگیری نظامی دیگری، چه در ابعاد محدود و چه در ابعاد
گسترده، می تواند عواقب فاجعه باری برای منطقه و ایران به همراه داشته باشد.
سیاست های مخرب و جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا، و خصوصاً دولت بوش، در
شش سال گذشته منطقه خاورمیانه و خصوصاً کشورهای همسایه ایران، یعنی افغانستان
و عراق را با فاجعه انسانی عظیمی روبه رو کرده است. دکترین "حمله پیشگیرانه" به
بهانه "مبارزه جهانی با تروریسم" تنها در عراق صدها هزار کشته و مجروح به جای
گذشته است و بخش های مهمی از منطقه را به پایگاه نظامی ناتو و متحدانش تبدیل
کرده است. ادامه این سیاست ها در کنار حمایت بی چون و چرا از سیاست های ضد
انسانی دولت اشغالگر اسرائیل که همچنان به سرکوب خشن حقوق میلیون ها فلسطینی
ادامه می دهد، و همچنین برنامه ریزی طولانی برای حضور نظامی وسیع در خلیج
فارس، به منظور کنترل شریان نفت به غرب، از جمله عوامل اصلی بحران و تنش کنونی
و نگرانی های جدی بی است که همه نیروهای مترقی و آزادی خواه جهان را به عکس
العمل جدی واداشته است. تلاش تحسین برانگیز جنبش جهانی و نیرومند صلح برای
بسیج افکار عمومی جهان و اعتراض وسیع به این سیاست ها، برای جلوگیری از
درگیری نظامی تاکنون نقش اساسی بی در مقابله با برنامه های امپریالیسم داشته و از
این رو حمایت و تقویت این جنبش بخش مهمی از مبارزه نیروهای صلح دوست و
آزادی خواه ایران نیز است.

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

غیر انسانی بیداد گاه های رژیم ولایت فقیه برای فعالان جنبش سندیکایی را به شدت محکوم کرده و خواستار لغو این احکام و پایان بخشیدن به سیاست های سرکوبگرانه و اعمال فشار به فعالان سندیکایی است!

اعمال فشار و پرونده سازی بر ضد نیروهای ملی

در ماه های اخیر، به موازات افزایش جو اختناق و سرکوب، نیروها و احزاب و شخصیت های ملی بیش از گذشته آماج تهدید، ارعاب و فشار از سوی رژیم ولایت فقیه قرار گرفته اند! به دنبال دیدار شیرین عبادی، نرگس محمدی و محمدعلی دادخواه، اعضای کانون مدافعان حقوق بشر ایران، با رییس و معاون فدراسیون بین المللی حقوق بشر، رژیم به پرونده سازی بر ضد خانم عبادی و دیگر مدافعان حقوق بشر دست زده است.

روزنامه "کیهان"، ۸ آبان ماه، در بخش خبر ویژه خود، در مطلبی سراسر کذب تحت عنوان "عبادی، ایران را تحریم کنید" از جمله نوشت: "شیرین عبادی که به دلیل خوش خدمتی هایش به غرب جایزه نوبل صلح دریافت کرده بود، روز دوشنبه در گفت و گویی با روزنامه فرانسوی فیگارو خواستار تحریم سیاسی ایران شد."

"کیهان" در ادامه پرونده سازی خود، با الفاظی زشت نظیر "وطن فروشی" تاکید خانم عبادی بر رعایت حقوق بشر و حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی شهروندان کشور و جدایی دین از حکومت را "خوش خدمتی به غرب" و "تسلیم به بیگانگان" نام می دهد.

این پرونده سازی بی شرمانه (که البته در رژیم ولایت فقیه سابقه دارد) همراه با اعمال فشار بر اعضای جبهه ملی ایران در داخل، مانند ممنوع الخروج ساختن آقای داود هرمیداس باوند، عضو شورای رهبری و سخنگوی جدید جبهه ملی ایران، حاکی از افزایش فشار بر نیروها و شخصیت های ملی و میهن دوست کشور است. حزب ما ضمن محکوم کردن این گونه پرونده سازی ها و اعمال فشارها به شخصیت هایی که از منافع ملی حمایت کرده و خواستار تامین حاکمیت ملی هستند، بار دیگر بر ضرورت اتحاد عمل همه نیروهای میهن دوست، مترقی و آزادی خواه در اوضاع حساس کنونی تاکید می کند!

* افسانه "آزادی مطبوعات و رسانه ها" در رژیم ولایت فقیه: از دروغ تا واقعیت

بیش از دو سال است که هر روز فشار هرچه بیشتری به مطبوعات و روزنامه نگاران کشور وارد می شود. روزی نیست که اخباری مبنی بر توقیف نشریات و روزنامه ها، یا بستن دفاتر و قفل کردن سایت های اطلاع رسانی و زندانی کردن روزنامه نگاران و خبرنگاران، منتشر نشود. در این جا تنها کافی است که به سرنوشت روزنامه هایی چون "شرق"، "هم میهن" یا متوقف شدن کار مطبوعاتی خبرگزاری کار ایران "ایلنا" تا قلع و قمع کردن نشریات دانشجویی و ده ها نمونه دیگر اشاره کرد، که در ظرف دو سال گذشته فعالیت مطبوعاتی آن ها متوقف شده است. واقعیت این است که این لیست سیاه مطبوعاتی را می توان هم چنان ادامه داد و علاوه بر این از دشواری های معیشتی روزنامه نگاران و خبرنگاران و عدم امنیت شغلی آنان و خودسانسوری تحمیلی حاکم بر سایر روزنامه ها و رسانه های دیگر سخن گفت. بنابر این اگر بخواهیم کارنامه دولت آزادی ستیز احمدی نژاد را در این عرصه بررسی کنیم، هر انسان منصفی بر این باور خواهد بود که دولت "مهرورز" در عرصه مطبوعات نیز کارنامه ای بسیار منفی دارد. منتها مسئله ای که در این میان جلب توجه می کند سخنرانی ها یا در واقع ذرفاشنی های برخی از چهره های شناخته شده دولت در طی همین هفته جاری مبنی بر وجود آزادی مطبوعات و قلم در کشور است. گویا مقامات دولتی متوجه خراب بودن وضعیت در این زمینه شده اند که با فرار به جلو و قلب واقعیت، قصد دارند به فریبکاری بپردازند. در این جا کافی است که به سخنان دو تن از مقامات رژیم، حداد عادل، در نقش رییس مجلس اسلامی، و پورمحمدی، وزیر کشور رژیم، که در فاصله یک روز از هم منتشر شده اند، توجه کرد. حدادعادل در مراسم افتتاح چهاردهمین جشنواره و نمایشگاه بین المللی مطبوعات و خبرگزاری ها چنین می گوید: "جایگاه رسانه برای اداره جامعه مثل آب و نان و غذا و سوخت و انرژی است؛ یعنی همان طور که بدون این اقلام نمی توان زندگی کرد بدون رسانه امور این دنیا سامان نمی گیرد و هر کشوری با هر مرامی ناچار است اطلاع رسانی داشته باشد و کشورهایی که مثل ما بر پایه یک فرهنگ، انقلاب کرده و نظامی تشکیل داده اند بیش از بقیه محتاج رسانه اند." وی پس از این کلی باقی های تو خالی مدعی می شود که "مطبوعات ایران آزادند" یا این که اعلام می کند: "عیبی ندارد که احزاب و تشکلهای خود روزنامه داشته باشند، این لازمه کار تشکیلاتی و سیاسی است. طبیعی است که روزنامه ها هر کدام ترجمان مرام سیاسی یک جریان سیاسی باشند." جسارت در طرح ادعاهایی این چنینی از دو حال خارج نیست. یا آقای حدادعادل، رییس مجلس اسلامی رژیم حتی روزنامه هم نمی خواند و اخبار مطبوعات را دنبال نمی کند، یا چشم خود را آگاهانه بر واقعیات حیات رسانه ای میهن ما بسته است و آشکارا دروغ می گوید. آخر چگونه ممکن است که رییس مجلس کشوری هنوز به یکی از پایگاه های اطلاع رسانی اینترنتی مراجعه نکرده باشد که با این جمله روبرو شود: "کاربر محترم! این صفحه به فرمان مقامات قضایی قابل دسترسی نیست!" هم اکنون علاوه بر توقیف بودن شماری از روزنامه ها و نشریات، صدها پایگاه اینترنتی قفل هستند و هم میهنان ما در داخل کشور نمی توانند به آن ها دسترسی پیدا کنند. اگر با



حزب توده ایران، بازداشت، محاکمه و صدور احکام ناعادلانه برای فعالان سندیکایی را محکوم می کند!

پشتیبانی از آزادی کارگران در بند، مبارزه ای در راه تامین و احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان میهن ماست!

بر پایه گزارش های منتشره، رژیم ولایت فقیه در ادامه برنامه اعمال فشار و سرکوب جنبش مستقل سندیکایی زحمتکشان کشور، منصور اسانلو رییس هیئت مدیره و ابراهیم مددی معاون هیئت رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را به ترتیب به ۵ سال و ۳ سال و نیم زندان محکوم کرده است.

رژیم تاکنون از اعلام رسمی و علنی این احکام خودداری کرده و تنها خانواده و برخی نزدیکان این دو فعال کارگری در جریان صدور احکام قرار گرفته اند. پیش از این سندیکای کارگران شرکت واحد، در تاریخ ۳ آبان ماه، فراخوانی را انتشار داد که در آن دفاع از حقوق انسانی و قانونی کارگران در بند را خواستار شده بود. در بخشی از این فراخوان خاطر نشان شده: "قریب سه سال است که سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مورد تهاجم، سرکوب و محدودیت های غیر قانونی قرار گرفته است، کارگران سندیکایی به خاطر عضویت در سندیکا و هواداری از فعالیت مستقلانه صنفی تهدید، اخراج، دستگیر و زندانی شده اند. در حال حاضر رییس و نایب رییس سندیکا، بدون اثبات اتهامات وارده زندانی هستند و از حق برخورداری از وکیل مدافع بنابه علل نامعلوم محروم شده اند. خانواده های کارگران زندانی و اخراجی سندیکا در بدترین شرایط روحی و سخت ترین شرایط اقتصادی قرار دارند. دفاع از آزادی کارگران سندیکایی آقایان منصور اسانلو، رییس هیئت مدیره، و ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی، محمود صالحی، کارگر زندانی، و دستگیر شدگان روز جهانی کارگر دفاع از حقوق و آزادی های سندیکایی است." در بخش پایانی فراخوان مذکور آزادی بی قید و شرط کارگران در بند مورد تاکید جدی قرار گرفته است.

حزب توده ایران، در کنار دیگر نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور، احکام ناعادلانه و

ادامه مبارزه زنان ...

جنسیتی در سال جاری بدون سروصدا در کنکور دانشگاهها و مدارس عالی اجرا شد. به دنبال اعتراض حقوقی نهادهای مدنی به سازمان سنجش کشور این سهمیه بندی نه فقط در رشته های پزشکی، بلکه در تمامی رشته های فنی و مهندسی و حتی علوم انسانی نیز اعمال شده است. فریده غیرت حقوقدان می گوید "افتخار جامعه و مقامات کشور ما همواره این بوده که ۶۴ درصد ورودی دانشگاهها را دختران تشکیل می داد. در حالیکه امسال شاهد تبعیض جنسیتی بودیم". واضح است "مقامات کشور ما" تلاش داشته و دارند هر جا که لازم شد موفقیت دختران ما را به حساب خود واریز کنند اما برای جلوگیری از موفقیت دختران و یا حضور فعال زنان را در جامعه تلاش بیشتر می شود.

در این "آزادترین کشور دنیا" رژیم فقها کوچکترین صدای حق طلبی زنان با زندان و سرکوب پاسخ داده می شود. خواسته های انسانی و برحق زنان از جمله تغییر در قوانین نابرابر حقوقی "اقدام علیه امنیت ملی" نام گرفته و رژیم به کمک بیداد گاه های قضایی خود زنان شجاع و مبارز میهن مان را سرکوب و روانه زندان ها و شکنجه گاه ها می کنند. تازه ترین نمونه آن برخورد رژیم با دختر مبارز، دلارام علی، فعال حقوق زنان و کودکان و عضو "کمپین یک میلیون امضا" است که در تجمع قانونی و مسالمت آمیز ۲۲ خرداد به طور وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار گرفت. مدد کار جوانی که به خاطر فعالیت های شبانه روزی اش در زمینه مسایل زنان و کودکان از جمله برگزاری کارگاههای آموزشی علیه خشونت و ایدز و دیگر آسیب های اجتماعی و نیز کار در میان کودکان کار و کارتن خواب ها از طرف رژیم فقها به ۲ سال و ۶ ماه زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شده است. نه فقط دلارام دختر مبارزی از نسل جوان ما ، بلکه بسیاری دیگر از فعالان زن نیز با در آزادی مشروط و یا با پرداخت وثیقه بسر برده و در انتظار دادگاه و اعلام حکم هستند تا دیگر به فکر تغییر قوانین زن ستیز از جمله حق برخورداری از طلاق و حضانت و سرپرستی و دیه و ارث برابر و بطور کلی قوانین قرون وسطایی که ریشه در قوانین شرعی ۱۴۰۰ سال دارد، نباشند و "گناه" بزرگتر این که این مبارزه را به درون توده های محروم و زحمتکش سازمان ندهند. این امر یعنی سازماندهی و آگاه سازی توده محروم زنان از حقوق انسانی خود از نظر گردانندگان ارتجاعی رژیم ولایت فقیه "گناه" است نابخشودنی و مستوجب سرکوب و زندان . بیهوده نیست که فعالان جامعه همواره مورد خشم واپس گرایان تاریک اندیش بوده و سرکوب آنان - زن یا مرد فرقی نمی کند- تحت عناوین مختلف از جمله "دریافت کمک مالی از بیگانگان" در ماه های اخیر تشدید یافته است .

رژیم ضد مردمی ولایت فقیه سرکوب و فشار را در رابطه با زنان و دختران جوان تا آنجا تشدید کرده است که پزشک جوان دکتر زهرا بنی عامری - پزشکی که داوطلبانه در خدمت مردم محروم روستای همدان بود - را دستگیر و ۴۸ ساعت بعد جسد او را به خانواده اش تحویل می دهند و با کمال وقاحت اعلام می دارند که " به خاطر جرم مشهودی بازداشت شده بود.. و خودکشی کرد."

فعالان جوان حقوق زنان مثل روناک صفارزاده وهانا عبدی از اعضای "کمپین یک میلیون امضا" به اتهام های واهی و از جمله به اتهام "اقدام علیه امنیت کشور" راهی شکنجه گاه های مخوف سندج می شوند (خانواده هایشان در بی خبری مطلق از وضعیت آنان بسر برده و حتی مادر روناک صفارزاده به خاطر پیگیری وضعیت

دخترش مورد ضرب و شتم ماموران ولایت فقیه قرار گرفت) . شیرین عبادی حقوقدان در کنفرانس مطبوعاتی " حقوق زنان"، در کانون مدافعان حقوق بشر، که تصادفا در روز اعلام رای دادگاه تجدید نظر دلارام علی برگزار شد به صراحت اعلام داشت: "من از همین تریبون به مردم جهان اعلام می کنم، احکام محکومیت زنان صرفا به خاطر حمایت از حقوق زن است. صرفا به این خاطر است که ما با تعدد زوجات مخالفیم، به این خاطر است که ما دیه برابر می خواهیم! بی خود به ما برچسب ارتداد یا اقدام علیه امنیت ملی نزنید. ما این را به جهان اعلام می کنیم."

اما با وجود تمام فشارها و سرکوب ها، مبارزه زنان شجاع کشورمان به اشکال مختلف جریان دارد. در بیانیه "مادران صلح"، که روز ۱۳ آبان اعلام موجودیت کرد، با عنوان "پیروزی نه در جنگ، که بر جنگ" آمده است: "ما جمعی از مادران ایران اینک آرزو داریم جوانان مان به صلح، عدالت و دموکراسی دست یابند نه آنکه شاهد هزینه شدن آنها باشیم. ما نه تنها مخالف جنگیم بلکه امنیت و آسایش شهروندان را می طلبیم و هر آنچه امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ما و جوانان ما را تهدید کند، اعتراض داریم لذا برای دستیابی به امنیت، آزادی و عدالت که همانا حقوق بشر است برای خود و فرزندان مان تلاش خواهیم کرد و برای رسیدن به این اهداف به سوی تمام مادران دست یاری دراز می کنیم"

حزب توده ایران همواره عقیده داشته که تحقق آزادی و برابری و صلح و عدالت اجتماعی بدون تحقق برابری حقوق زن و مرد و در یک کلام رفع نابرابری های جنسیتی امکان پذیر نخواهد بود و به این دلیل زنان گردان اساسی و جدا ناپذیر جنبش مردمی میهن ما هستند که مبارزه آنان در دستیابی به خواسته های صنفی و سیاسی شان بخش مهم و نیرومند مبارزه عمومی توده ها را در نبرد بر ضد رژیم ولایت فقیه را تشکیل می دهد. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات زنان شجاع کشورمان از همه نیروهای مترقی خواستاریم که صدای حق طلبی زنان شجاع و دلیر کشورمان را به گوش جهانیان برسانند.

ادامه افسانه آزادی مطبوعات ...

توجه به حقایقی که در بالا به اختصار بدان اشاره شد رییس مجلس رژیم چگونه می تواند ادعا کند که: "اعتقاد ما این است که آزادی اطلاع رسانی لازمه حاکمیت ملی است. اگر بنا داریم که داریم؛ ملت در صحنه باشد و با رای خود در هر صحنه ای تعیین کننده باشد ملت باید آگاه باشد و آگاهی مستلزم جریان روان اطلاعات است."

این چگونه "جریان روان اطلاع رسانی" است که هر روزنامه ای انتقادی از دولت کرد، با چماق و پیگرد و کارشکنی روبرو می شود. یا هر سایتی که قصدش انتشار اخبار و تحلیل حوادث میهن ما است، با قفل اینترنتی روبرو می شود؟ مصطفی پورمحمدی از این هم فراتر می رود و در سخنرانی بی که گوشه هایی از آن را خبرگزاری ها منتشر کرده اند، ضمن بیان این که در ایران محدودیتی وجود ندارد معتقد است که اصولاً "جوامع امروز را نمی توان سانسور و محصور کرد." بنابراین مردم از خود سوال می کنند که آیا آن کاری که مسئولین نظام و مقامات در زمینه خاموش کردن مطبوعاتی می کنند، نمی توان نام سانسور بر آن گذاشت یا محصور کردن اطلاع رسانی برشمرده؟ بخشی از سخنان پورمحمدی چنین است: "دیگر نمی توان نوجوان و جوان و به طور کلی جوامع امروز را سانسور و یا محصور کرد باید درها را باز کرد همه باید درها را باز کنند، چه کسی می تواند در این فضا تاثیر گذار باشد آن کسی که قدرت اثربخشی در افکار عمومی را بیشتر دارد." آیا واقعا وزیر کشور از بسته شدن درها و سرکوب حتی منتقدین خودی اطلاع ندارد؟ ما در این جا از مواضع و شیوه های وحشیانه سرکوب دگراندیشان سخن نمی گویم. در ارتباط با باز کردن یا بستن درها برای نمونه باید این خبر را ذکر کرد که در هفته گذشته به گزارش "میراث خیر" اداره اماکن تهران در ادامه پلمپ کردن ناشرین و کتابفروشی های کشور، حکم به پلمپ شدن شش کتابفروشی در تهران داد. اسامی این کتابفروشی ها عبارتند از: ثالث و ویستار در خیابان کریم خان، بدرقه جاویدان، در تقاطع خیابان ولی عصر و فاطمی، روشن، دروس و شهر کتاب ونک. اداره اماکن علت تعطیلی این کتابفروشی ها را وجود کافه کتاب در کتابفروشی ها اعلام کرد.

سوسیالیستی اکتبر، موضوعیت اهداف آن، کمونیست ها و مبارزه بر ضد امپریالیسم، و برای سوسیالیسم

این اجلاس در فاصله روزهای ۳ تا ۵ نوامبر در مینسک پایتخت بلاروس برگزار شد. اجلاس امسال با توجه به نودمین سالگرد انقلاب اکتبر، حول محور بزرگداشت، ارزیابی این رخداد مهم بین المللی و درس های تاریخی آن به میزبانی مشترک حزب کمونیست فدراسیون روسیه و حزب کمونیست بلاروس برگزار شد. بر طبق برنامه تنظیم شده توسط کمیته برگزاری اجلاس که به تأیید همه احزاب برادر رسیده بود، اجلاس بین المللی احزاب برادر در روز های ۳ الی ۵ نوامبر در مینسک برگزار شد و متعاقب آن مراسم جشن ۹۰مین سالگرد انقلاب اکتبر به شکلی با شکوه و با شرکت همه احزاب برادر در روزهای ۶ و ۷ نوامبر در مسکو برگزار شد.

۱۵۴ نماینده از ۷۱ حزب کمونیست از پنج قاره جهان در این اجلاس با اهمیت شرکت کردند و در عرض سه روز بحث و مذاقه در مورد مسائل عمده ایدئولوژیک و سیاسی، در رابطه با ضرورت و قانونمندی مبارزه برای سوسیالیسم و صلح، محورهای اساسی مبارزه احزاب کارگری جهان را برای ترقی و پیشرفت مورد تأکید مجدد قرار دادند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران به دعوت رسمی حزب کمونیست فدراسیون روسیه و حزب کمونیست بلاروس به طور فعال در این گردهمایی بزرگ و با اهمیت احزاب مبارز برای صلح و سوسیالیسم شرکت کرد. سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب مان در روز دوم اجلاس مورد توجه و استقبال نمایندگان احزاب برادر قرار گرفت. **گزارش کامل فعالیت های هیئت نمایندگی حزب مان در شماره آینده "نامه مردم" منتشر خواهد شد.**

اجلاس با سخنرانی های رفیق تاتیانا گالوبوا، دبیر اول حزب کمونیست بلاروس، و رفیق گنادی زیوگائف، صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، آغاز شد. همچنین از طرف آلکساندر لوکاشنکوف، رئیس جمهور بلاروس، پیامی خطاب به شرکت کنندگان در اجلاس خوانده شد.

رفیق گنادی زیوگائف در سخنرانی خود در جلسه افتتاحیه نشست تحت عنوان "ایده های اکتبر زنده هستند و پیروز خواهند شد" از جمله گفت: ۷ نوامبر ۱۹۱۷ مهمترین رخداد قرن بیستم، یک روز تاریخی بیاد ماندنی بود. انقلاب اکتبر برای گشودن راه بشریت به سمت جامعه ای عاری از جنگ، خشونت و سرکوب به وقوع پیوست. او در توضیح اهمیت جهانی و ماندگاری آرمان های انقلاب اکتبر اظهار داشت: جامعه ای که به واسطه انقلاب اکتبر در روسیه متولد شد، امروز هدف مبارزه بسیاری از خلق هاست... انقلاب نمی تواند سفارشی و طبق الگو های از قبل تعیین شده انجام بگیرد. انقلاب روسیه را نمی توان فقط به عنوان یک "آزمایش" و بدون هیچ اثر ماندگاری محسوب کرد... انقلاب اکتبر در اوج گیری جنبش های انقلابی در گوشه و کنار جهان سهم بسزایی داشت.

در کنفرانس مطبوعاتی که در انتهای اجلاس با شرکت رفیق تاتیانا گالوبوا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلاروس، ایوان ملینکوف، معاون صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، و ژورس آلفرد، عضو فراقسیون حزب کمونیست فدراسیون روسیه در دوما، برگزار شد، رفیق ملینکوف در تجزیه و تحلیل محتوی و اثرات پایدار انقلاب اکتبر



اظهار داشت: "هرچه از ۱۹۹۱ دور تر می شویم، به ایده های اکتبر نزدیک تر می شویم." او اشاره کرد: "در زمانی که یک مبارزه اساسی بین راه های توسعه سرمایه داری و سوسیالیستی در جریان است، که در دوره جهانی شدن مشخصه های ویژه ای پیدا کرده است، وظیفه ما فقط بزرگداشت و جشن گرفتن نیست، بلکه یک بحث تئوریک جدی است، بحث و مذاقه ای برای ارزیابی گذشته و حاضر، که راهنمای عمل ما در آینده باشد."

در انتهای اجلاس متن اطلاعیه مطبوعاتی ای مورد بحث احزاب شرکت کننده قرار گرفت و پس از اصلاحاتی با اعضای همه احزاب شرکت کننده در اجلاس منتشر شد. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام کمیته مرکزی حزب را به این نشست تاریخی ارائه داد که با استقبال گرم شرکت کنندگان در جشن روبه رو شد. در زیر بخش هایی از این پیام را برای اطلاع خوانندگان "نامه مردم" درج می کنیم.

فرخنده باد نودمین سالروز پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!

جشن انقلاب اکتبر در مسکو

پنجاه هزار از شهروندان مسکو در روز ۱۶ آبان ماه (۷ نوامبر) با پرچم های سرخ و تصاویر لنین و رهبران انقلاب در مراسم باشکوه سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر شرکت کردند. خیابان «توراسکایا» مسکو هیچ گاه چنین مراسمی را و با شرکت چنین جمعیتی را تجربه نکرده بود. در پیشاپیش صف های راه پیمایان هیئت رهبری حزب کمونیست فدراسیون روسیه و از جمله رفیق گنادی زیوگائف، و همچنین هیئت های نمایندگی ۸۳ حزب کمونیست جهان که به دعوت حزب کمونیست فدراسیون روسیه برای جشن های نودمین سالگرد



انقلاب اکتبر در مسکو حضور داشتند، حرکت می کردند. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران که به دعوت رسمی حزب برادر روسیه به این کشور مسافرت کرده بود، نیز در این گردهمایی تاریخی حضور داشت. ۳۰ تن از اعضای پارلمان از کشورهای مختلف و از جمله پارلمان اروپا و همچنین نمایندگان ۱۴ حزب که در دولت شرکت دارند، در پیشاپیش شرکت کنندگان در راه پیمایی، از ویژه گی های این مراسم بود. پیر و جوان، زن و مرد، روشنفکر و کارگر، از همه سنی و از هر صنفی با سرودها و شعارهای گوناگون در این راه پیمایی شرکت داشتند. یک گروه چند صد نفره از کمونیست های ایتالیایی که به مناسبت مراسم نودمین سالگرد به مسکو مسافرت کرده بودند، سرود های مختلف و از جمله "باندرای روسا" را می خواندند. روس ها و مهمانان بین المللی شان سرود انترناسیونال را سر داده بودند.

بر خلاف سال های گذشته، مقامات دولت روسیه در رابطه با مراسم سالگرد انقلاب اکتبر به اقدامات ایدئولوژیک جدی پی دست نزدند و برای آن محدودیت ایجاد نکردند. این مسئله می تواند به دلیل شرکت نمایندگان پارلمان اروپا در مراسم و همچنین حضور دریایی از انسان در آن بود که هرگونه عکس العمل منفی دولتی را مشکل می کرد. گرچه در مناطق و شهرهای دیگر روسیه محدودیت های اعمال شده از سوی مقامات رسمی روسیه به منظور ممانعت از شرکت وسیع مردم و یا محدود کردن جلوه و انعکاس برگزاری موفق آن در برگزاری باشکوه مراسم سالگرد انقلاب اکتبر اشکالات ویژه ای را ایجاد کرد. برگزاری مراسم باشکوه سالگرد انقلاب اکتبر در قلب مسکو که جو ویژه ای در مهد اولین انقلاب سوسیالیستی ایجاد کرده بود، نمایشگر حضور پر رنگ کمونیست های روسیه در حیات سیاسی این کشور بود. باشد که این جشن باشکوه آغازگر مارش جدید کمونیست های روسیه در جهت تدارک انقلابی دیگر باشد.

نهمین اجلاس سالانه احزاب کمونیست و کارگری جهان تحت عنوان "نودمین سالگرد انقلاب کبیر"

گوشه هایی از پیام کمیته مرکزی حزب

رفقای گرامی

اجازه بدهید که در آغاز دروهای رفیقانه و انترناسیونالیستی حزب توده ایران را به رهبری حزب کمونیست بلاروس و کمیته برگزار کننده اجلاس بین المللی سالانه احزاب کمونیست کارگری، و همه هیئت های نمایندگی احزاب برادر حاضر در این گردهمایی مهم تقدیم کنم. حزب توده ایران مراتب قدردانی رفیقانه خود از حزب کمونیست بلاروس در رابطه با فراهم ساختن شرایط مناسب برای برگزاری این اجلاس و تبادل نظر ضرور در شرایط حساس جهان کنونی در رابطه با یکی از عمده ترین عرصه های سیاسی-ایدئولوژیک مبارزه و تحول احزاب مان، را ابراز می دارد. ما در همین آغاز صمیمانه ترین آرزوهای خود را برای برگزاری موفقیت آمیز این اجلاس تقدیم می کنیم.

رفقای عزیز

مباحثات و تبادل نظرهای ما در رابطه با موضوعیت و اعتبار انقلاب کبیر اکتبر در نهمین دهه پیروزی آن در شرایطی انجام می گیرد که نزدیک به دو دهه از اعاده حاکمیت سرمایه داری در روسیه می گذرد. در این سال ها بخشی از ارتجاعی ترین محافل روسیه در همدستی و هماهنگی همه جانبه با امپریالیسم سعی در بازگرداندن چرخ تاریخ، و زدودن آثار نزدیک به هفت دهه ساختمان سوسیالیسم در روسیه، و ایجاد شرایطی برای ابدی کردن حیات سرمایه داری در این کشور دارند.

حزب توده ایران بر این باور است که گرچه تحولات منفی دو دهه اخیر و عقبگرد های مشخص در روسیه و اروپای شرقی به انهدام برخی از دستاوردهای کلیدی انقلاب اکتبر انجامیده است، ولی بررسی علمی و منطقی بر فاکت ها در رابطه با اثرات ملی، بین المللی در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نه فقط موضوعیت و اعتبار ایده آل های محوری این عظیم ترین رخداد تاریخ بشریت را نشان می دهد، بلکه بر همیشگی بودن برخی از کلیدی ترین تبعات جهانشمول انقلاب اکتبر اشارت خواهد داشت. آن مجموعه شرایط و عواملی که نهایتاً به فروپاشی سوسیالیسم در اروپای شرقی انجامیدند، نه تنها ارتباطی با مارکسیسم و آموزش های بنیانگذاران سوسیالیسم علمی نداشتند، بلکه در واقع انحراف از اصول و مبانی کلیدی آن محسوب می شوند که فقط در شرایط ویژه دوره جنگ سرد می توانستند ظهور کنند. جنبش کمونیستی در ادامه ارزیابی نقادانه و مسئولانه تجربه هفت دهه ساختمان سوسیالیسم می بایست نتیجه های مشخصی در رابطه با اهمیت حیاتی توجه به دموکراسی، نقش شهروندان در ساختمان سوسیالیسم و دیالکتیک روابط حزب و دولت بگیرد و در تدوین مسیر مبارزاتی خود مورد توجه قرار دهد. ما بر اینیم که نود سال پس از پیروزی انقلاب اکتبر ضرورت یک بررسی علمی و عاری از ذهنی گرائی نه فقط به لحاظ بزرگداشت این رخداد تاریخی، بلکه برای اثبات مجدد احکام کلیدی انقلاب های اجتماعی و مبارزه برای پیشبرد روند تحولات قانونمند در جامعه بشری، ضروری است.

در بررسی اعتبار و موضوعیت انقلاب اکتبر این ضرورت دارد که همه جنبه های گوناگون و بهم مرتبط این تحول عظیم تاریخ بشریت، و از همه مهمتر علمی و قانونمند بودن آن را در نظر داشت. یکی از خصوصیات اساسی انقلاب اکتبر و یکی از وجوه تمایز آن با انقلاب های دیگری که در جریان تاریخ (قبل از آن) روی داده اینست که این انقلاب نه تنها بر مبانی جهان بینی علما توجیه شده ای استوار است، بلکه انقلابی است که از لحاظ فکری، خواه از نظر هدف های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و خواه از جهت مبانی تئوری سازمانی با دقت تمام تدارک و با آگاهی کامل رهبری شده است. از لحاظ اندیشه ای انقلاب اکتبر تحت لوای مارکسیسم نشو و نما یافت، زیر پرچم لنینیسم تدارک شد و بالاخره تحت لوای مارکسیسم لنینیسم به پیروزی رسید. انقلاب اکتبر محصول روندی است که توسط مارکس در انترناسیونال اول پایه ریزی شد، در تجربه خونین کموناردها در پاریس در رابطه با آن تجربه اندوزی شد، و در جریان انترناسیونال دوم در رابطه با ابزارهای مورد نیاز آن و از جمله ضرورت عمل یک حزب انقلابی توسط لنین راه گشائی شد. انقلاب اکتبر و روند شکل گیری و تدارک آن تأکید همه آن تز های کلیدی جهانشمولی است که مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" در رابطه با میراثی بورژوازی به مثابه یک طبقه و نقش انقلابی پرولتاریا به آن ها اشاره دارند. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر مبداء دوران نوینی در تاریخ بشر، نقطه چرخشی در نهضت پرولتاری کشورهای سرمایه داری، سر آغاز مرحله جدیدی در جنبش های رهائی بخش ملی در کشورهای مستعمره و وابسته، و نقطه تحولی در شیوه های مبارزه، اشکال سازمانی و سبک کار و فرهنگ اجتماعی و جهان بینی استثمار شوندگان و استثمار زدهگان در مقیاس تمام جهان است.

انقلاب اکتبر به دوران سیطره جهان شمول و بلا رقیب سرمایه داری خاتمه داد، شکاف عمیقی در جبهه امپریالیستی بوجود آورد، بنیاد توانائی و فرمانفرمائی امپریالیسم را هم در متروپل ها و هم در کشورهای مستعمره و وابسته سست و متزلزل ساخت...

انقلاب اکتبر و ایران

انقلاب اکتبر در همسایگی کشور ما به ظهور پیوست و بجای روسیه تزاری، روسیه شوروی را پدید آورد. با انقلاب اکتبر ایران از خطر تجزیه و استعمار و اضمحلال حاکمیت و استقلال رهائی یافت و مردم ایران در وجود روسیه شوروی بهترین پشتیبان و مدافع آزادی و استقلال خود را یافت. بلافاصله پس از انقلاب اکتبر دولت شوروی قرارداد ۱۹۰۷- قرارداد تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ مابین انگلستان و روسیه تزاری- را از هم درید و ناپدید شده اعلام داشت، از کلیه حقوق و مطالبات و امتیازات خود و اتباع روسیه تزاری در ایران صرف نظر کرد و حقوق کاپیتالیسم روسیه تزاری را در ایران لغو کرد. اعلامیه ای که بدین منظور در ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ از جانب دولت شوروی منتشر گردید با جملات زیرین خاتمه می یابد "مردم روسیه ایمان دارند که خلق ۱۵ میلیونی ایران نخواهد مرد زیرا وی دارای سابقه ای بس افتخار آمیز و پر از قهرمانی است و بر صحایف تاریخ و فرهنگش نام های ثبت است که چنان متمدن به حق در برابر آنسر تکریم فرود می آورد. چنین خلقی با نهمینی نیرومند از خواب قرون بر خواهد خاست و زنجیر ستم درندگان پلید را از هم خواهد درید و در صفوف برادرانه ملل آزاد و با فرهنگ برای خلاقیتی نوین و نورانی به خیر و سعادت سراسر بشریت پای خواهد گذاشت..." تحت تاثیر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر جنبش رهائی بخش ملی در میهن ما، ایران، از سال ۱۹۱۸ وسعت و دامنه یافت و در سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ در آذربایجان و گیلان و خراسان به صورت قیام های مسلحانه در آمد. قیام های مزبور توده های وسیعی از کارگران و دهقانان و بورژوازی متوسط و بورژوازی تجاری را در بر گرفت. قشرهای وسیعی از زحمتکشان شهر و ده با شعارهای خود در این جنبش شرکت کردند و حزب انقلابی خود حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند. حزب کمونیست ایران در گیلان به نیروی محرکه انقلاب تبدیل شد، دست به مصادره املاک بزرگ زد و حکومت جمهوری انقلابی تشکیل داد. گرچه جنبش ضدامپریالیستی و ضد فئودالی در سال های ۱۹۱۸- ۱۹۲۱ سرکوب شد ولی اثر عمیق خود را در روح خلق ما باقی گذاشت. تمام جریان بعدی رشد و تکامل جنبش رهایی بخش در ایران و در سایر کشورهای مستعمره و وابسته نشان داد که با انقلاب اکتبر عصر انقلاب های ملل ستم کش بر ضد امپریالیسم و ارتجاع آغاز شده است، عصری که طبقه کارگر انقلابی به مثابه نیروی مستقل و با شعار ها و حزب خود پیگیرانه وارد صحنه مبارزات سیاسی شده است.

در ادامه این روند قانونمند و در جریان بحران عمومی سرمایه داری و ابتدای جنگ جهانی دوم، ۶۶ سال پیش، حزب توده ایران وارث سنن انقلابی و دموکراتیک خلق های ایران تشکیل شد و در مدت کوتاهی به جریان عظیم اجتماعی تبدیل گردید. تحت تاثیر سازمانگری موثر آن جنبش های ملی و دموکراتیک تمام کشور را فرا گرفت و در استان های آذربایجان و کردستان به پایه گذاری حکومت های خودمختار منجر شد. در همین مرحله از بحران عمومی سرمایه داری است که طی سال های ۱۹۵۰- ۱۹۵۳ جنبش رهائی بخش در میهن ما دوباره اوج می گیرد و ایران به یکی از حلقه های ضعیف امپریالیسم تبدیل می شود و در اثر مبارزه وسیع مردم ایران در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق، صنایع نفت در کشور ما ملی می شود. جنبش مردمی در جریان کودتای ۲۸ مردادماه سال ۱۹۵۳ که با برنامه ریزی و تحت هدایت مستقیم سازمان سیا و انتلیجنت سرویس انگلستان انجام شد، به خاک و خون کشیده شد و ایران برای ۲۵ سال تحت سیطره رژیم پلیسی و سرکوبگر شاه و اربابان امپریالیستی او قرار گرفت. آنچه که حقانیت تاریخی و ریشه دار بودن جنبش کارگری میهن مان را اثبات می کند این واقعیت است که جنبش انقلابی در کشور، بار دیگر در برهه دیگری از بحران سرمایه داری جهانی، اوج گرفت و در طی سه سال مبارزه متنوع و اوج گیرنده بر ضد استبداد حاکم، در جریان انقلاب بهمن ۱۹۷۹، رژیم وابسته به امپریالیسم را سرنگون کرد. اهمیت حضور اتحاد شوروی سوسیالیستی در مرز های شمالی کشورمان و نقش بازدارنده آن در مقابل تهدیدهای امپریالیسم به مداخله، قابل انکار نمی باشد.

متأسفانه همه کوشش های یک ۷ دهه اخیر بر اثر توطئه های پی پی در پی امپریالیسم و ارتجاع و تفرقه در صفوف ملی و دموکراتیک با ناکامی روبرو شده اند ولی اثرات بسیار ژرف خود را در کلیه شئون زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه ما باقی گذاشته اند...

اصلی ترین سلاح بلشویسم در تدارک انقلاب اکتبر سازماندهی و بسیج توده ها، تدوین و ارائه شعارهای صحیح برای جنبش مردمی، و هدایت موثر آن

ادامه جنگ و صلح...

ما در شرایطی که با نگرانی حوادث جهانی و برنامه ریزی های امپریالیسم برای ایران و منطقه را دنبال می کنیم در عین حال شاهد ادامه روند سیاست های نابخردانه سران رژیم و دامن زدن به جو تشنج و درگیری از سوی دولت احمدی نژاد هستیم.

احمدی نژاد در روزهای اخیر در حملات شدیدی به سیاست های معقول دولت خاتمی به خاطر پایین نگاه داشتن فتیله های تشنج پیرامون سیاست هسته ای ایران، از طریق اعتماد سازی و سیاست گفت و گو با اژانس بین المللی و کشورهای اروپایی، این سیاست ها را خائنه خواند و بر ادامه سیاست های دولتش در این زمینه پافشاری کرد.

در همین زمینه رمضان زاده، قائم مقام دبیرکل جبهه مشارکت با اشاره به خطرات جدی که کشور را تهدید می کند از جمله گفت: "واقعیت این است که اخبار جهان و نوع رفتار نیروهای نظامی کشور در پاسخگویی ها نشان می دهد که کشور در شرایط خطر قرار دارد. این امر را همه درک می کنند. اما عده ای می خواهند با به کار بردن الفاظی مثل "کاغذ پاره" و "پرتاب دارت" مسئله را به فراموشی بسپارند. اما واقعیت جهان خارج و واقعیت تحریم ها، فشارهای شدید اقتصادی و ... لااقل گویای آن است که معیشت مردم با خطر ویژه روبروست. این تورم وحشتناک فعلی گویای این امر است. بنابراین همه احساس خطر می کنند و آقای خاتمی نیز بالطبع این نگرانی را ابراز کرده است."

رفسنجانی نیز در سخنانی نسبت به اوضاع کشور و همچنین درگیری های موجود در منطقه ابراز نگرانی کرد و گفت: "منطقه ما در اختلافات بسیار زیادی قرار دارد و از هر سو درگیری ها در حال تشدید است. فلسطینی ها با هم درگیرند. در لبنان گروه ها پاره پاره شده اند در عراق نیز وضعیت کاملاً روشن است. بین ترکیه و کردهای عراق نیز وضعیت در آستانه مشکلات بزرگی است. در خارج از منطقه نیز درگیری های زیادی وجود دارد و هنوز اطلاعات دقیقی وجود ندارد که علت این اختلافات چیست؟"

احمدی نژاد نیز در سخنانی ضمن قبول ضمنی وضعیت بحرانی به حمله به مخالفان سیاسی پرداخت و ضمن متهم کردن برخی از این نیروها به "جاسوسی" و همکاری با آمریکا از جمله گفت: "در پرونده هسته ای علاوه بر موانع خارجی، موانع داخلی نیز داشتیم که باید آنها را پشت سر می گذاشتیم و من بالاخره یک روز پشت صحنه این مسائل را که جزو حساس ترین نقطه تاریخ ملت ایران است خواهم گفت. بیان این مسائل و حوادث برای آیندگان عبرت آموز خواهد بود و نشان می دهد که چه مبارزه سنگینی صورت گرفته است." وی در ادامه می افزاید: "برخی وسط کار می آمدند و می گفتند مسئله جنگ حتمی است و آنها چند روز دیگر ما را خواهند زد و چه ارزشی دارد که کشور را قربانی کنیم؛ و از کانال های مختلف به این صورت سطوح تصمیم گیری کشور را تحت فشار بسیار قرار می دادند. آنها تا جایی پیش رفتند که حتی برای دشمن نیز آدم فرستادند. آنها برای دشمن آدم می فرستادند تا هر هفته و به طور منظم از درون نظام به آنها اطلاعات دهد، حتی ما صحبت یکی از آنها را داریم که به دشمن اینگونه می گوید: چرا کوتاه بیایید؟ چرا صدور قطعنامه را به تاخیر می اندازید؟ چرا غلظت برخوردارتان کم شده است؟ فشار بیاورید تا آنها عقب نشینی کنند."

بر این موضع گیری های غرض ورزانه و مخرب باید سخنان رهبران نظامی رژیم را نیز اضافه کرد تا چارچوب فکری رهبران رژیم روشن تر شود. فرمانده نیروی هوایی ارتش، سرتیپ میقاتی نیز در سخنانی ضمن اشاره به وضعیت حساس منطقه از جمله افزود: "آنها انقلاب ما را نشانه رفته اند، ولی جرات حمله به ایران را ندارند، زیرا می دانند حمله به ایران تیر خلاصی برای امریکایی ها است. اگر آنها آغازگر جنگ باشند، قطعاً پایان بخش آن خواهند بود، همچون سال های دفاع مقدس، که پیروز نهایی آن میدان ما بودیم."

در اینجا این یادآوری و تذکر لازم است که اتفاقاً سران رژیم به دلیل حساب های غلط و سیاست های نابخردانه در جریان جنگ ایران و عراق دشواری ها و فجایع گوناگونی را برای میهن ما پدید آوردند. مردم ما به یاد دارند که چگونه پس از آزادی خرمشهر و بیرون راندن ارتش عراق از ایران، سران رژیم، و در راس آن خمینی، به ندهای صلح طلبانه و منطقی نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران (از جمله حزب توده ایران) و جهان توجهی نکردند و با تفکر بسط حیطه نفوذ ایران و با شعار ضد ملی "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "جنگ تا فتح کربلا"، صد ها هزار جوان ایرانی را به کشتن دادند و با حمله به خاک عراق فاجعه آفریدند. برخلاف مدعیات سران رژیم آن سیاست نه به پیروزی بلکه به شکست مفتضحانه، اظهار ندامت و "نوشیدن جام زهر" از سوی رهبر و ولی فقیه رژیم منجر شد و در انتها به تقویت رژیم جنایتکار صدام حسین نیز یاری رساند. درک نکردن شرایط بفرنج و حساس منطقه و خطرات جدی می که سیاست های تهاجمی امپریالیسم در منطقه میهن ما را تهدید می کند، بازی با آتش و بی توجهی به مصالح ملی میهن ماست. باید با این سیاست ها مقابله کرد. نیروهای مترقی و آزادی خواه ایران ضمن دفاع از حق طبیعی ایران برای بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته ای، و مخالفت و مقابله قاطعانه با هرگونه دخالت خارجی در امور میهن ما با سیاست های ماجراجویانه و اعمالی که در انتها به تشدید تشنج و دادن بهانه به امپریالیسم و متحدانش برای تشدید درگیری کمک می کند به شدت مخالفند و بر ضد آن مبارزه خواهند کرد.

امروز طیف وسیعی از نیروهای آزادی خواه و ملی کشور و همچنین نیروهای اجتماعی به ضرورت تلاش در راه ایجاد جنبشی وسیع برای مقابله با خطر جنگ و درگیری نظامی پی برده و در این راه تلاش می کنند. این تلاش را باید با همه توان یاری داد و کوشید تا پیوند مستحکمی میان جنبش صلح طلبانه مردم ایران و جنبش جهانی صلح و ضد جنگ ایجاد شود. تنها با حرکت مشترک و هماهنگ همه نیروهای مترقی و صلح دوست ایران و جهان است که می توان جلوی فاجعه را گرفت.

ادامه افسانه آزادی مطبوعات ...

دلیل روشن تر از آفتاب این که هنوز بیست و چهار ساعت از این سخنان بکر حدادعدل و پورمحمدی مبتنی بر وجود "آزادی بیان و مطبوعات" در کشور نگذشته بود که فصلنامه "مدرسه" به دستور هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف شد. یکی از دلایل لغو امتیاز این فصلنامه تخصصی "تبلیغ علیه نظام و ترویج الحاد" بیان شده است.

یکی از اعضای تحریریه این مجله در گفت و گو با خبرنگاران گفت: این خبر تلفنی به آن ها اعلام شده و هنوز به صورت کتبی با گردانندگان این فصلنامه ارایه نشده است. وی می گوید: "در تماسی که از هیئت نظارت بر مطبوعات با ما داشتند، خبر توقیف نشریه را به ما اعلام کردند و گفتند فصلنامه "مدرسه" از سوی هیئت نظارت به اتفاق آرا و به دلیل تبلیغ علیه نظام و ترویج الحاد لغو امتیاز و توقیف شد... این تعطیلی و لغو امتیاز و هم چنین اتهامی که مطرح شده برای ما بسیار شوک آور بود."

ما این نمونه اخیر را ذکر کردیم که تفاوت شعار یا دروغ مسئولین درجه اول رژیم ولایت فقیه را با واقعیات موجود نشان دهیم. واقعیت این است که دره عمیقی بین حرف و عمل دولت اسلامی وجود دارد که متاسفانه جامعه مطبوعاتی میهن ما بهای سنگینی برای آن پرداخته و هنوز هم می پردازد.

ما در بالا از وجود دو احتمال نوشتیم، یکی این که شاید خود مقامات و اعضای دولت روزنامه نمی خوانند و اخبار را دنبال نمی کنند، یا آگاهانه دروغ می گویند، که چنین صحبت هایی را راجع به "آزادی مطبوعات" عنوان می کنند. البته یک احتمال دیگر را نیز باید داد و آن این است که شاید مسئولین دولت احمدی نژاد درباره وجود آزادی مطبوعات و روزنامه نگاران کشور دیگری جز ایران سخن گفته و می گویند!

ادامه پای صحبت گیولا تورمر...

حزب به تصویب رسید، در پی یک اقدام مداخله گرانه حقوقی که آن تصمیم را ملغی اعلام کرد، موقعیت قانونی حزب در خطر افتاد و بر سر راه شرکت حزب در انتخابات پیش رو موانعی به وجود آمد.

رهبری حزب به جرم آن که بر اساس حق اجتماع و تشکیل انجمن‌ها در قوانین مجارستان آن مداخله را "دارای انگیزه‌های سیاسی و مخالف قانون اساسی" خوانده است، مورد پیگرد قرار دارد (مطابق قوانین مجارستان، در سازمان های غیردولتی، فقط ناهنجاری‌های مالی قابل تعقیب قانونی‌اند). گیولا تورمر این اعمال و پیگرد رهبران را بخشی از روند خطرناکی می‌داند که در حکومت‌های اقتدارگرای اروپای شرقی، در واکنش به مقاومت فرایند در برابر مداخله شرکت های بزرگ خارجی و مخالفت شدید با گوش به فرمانی دولت‌ها در برابر سیاست خارجی آمریکا در جریان است.

تورمر می‌گوید: "در جمهوری چک، حزب پر قدرت کمونیست به علت پیشاهنگی در مخالفت با استقرار موشک‌های رهیاب آمریکایی در خاک آن کشور مورد تهدید قرار دارد. در سال ۲۰۰۶، در این کشور قانونی تصویب شد که به موجب آن عضویت در سازمان جوانان آن حزب یک جرم جنایی محسوب می‌شود، به ویژه به دلیل آن که این سازمان خواهان مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید است. در مجارستان، از سال ۱۹۹۳ به این سو، زدن نشان ستاره سرخ یا داس و چکش بر لباس یک جرم جنایی محسوب می‌شود. در برخی از کشورهای بالتیک نیز وضع به همین منوال است... جالب آن است که همه اینها در درون مرزهای اتحادیه اروپا رخ می‌دهد که در ظاهر مدافع آزادی بیان سیاسی و آزادی انجمن است... محاکمه روز ۱۵ آبان (۶ نوامبر) خود ناقض ماده ۶۱ قانون اساسی مجارستان است که ضامن آزادی بیان است. هر گونه سلب آزادی سابقه و زمینه‌ای خواهد بود برای سلب آزادی‌های بیشتر. به همین دلیل است که محاکمه روز ۱۵ آبان تنها مربوط به کمونیست‌های مجاری نیست."

با همه این احوال گیولا تورمر خوشبین است. از نگاه خوشبینانه او، حمله‌هایی که به حزب کارگران کمونیست می‌شود، عزم و اراده کمونیست‌ها و طبقه کارگر سازمان یافته را استوارتر و راسخ‌تر می‌کند. او می‌گوید: "ما ۲۰ سال در شرایط دشوار مبارزه کرده‌ایم و اکنون قوی‌تر از گذشته شده‌ایم. در سال ۱۹۹۰ سازمان دهی سیاسی در محیط‌های کار غیرقانونی شد. از آن زمان تا کنون، شمار اعضای سندیکاها از ۳/۷ میلیون به کمتر از یک میلیون کاهش یافته است. بسیاری از شرکت های چندملیتی تشکیل اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها را به طور کل ممنوع کرده‌اند... ما مجبور شده ایم به سازمان دهی در روستاها و مناطق غیرشهری بپردازیم. یکی دو سال پیش، این گونه مبارزه کارخانه ژاپنی سوزوکی را وادار کرد که دستور ممنوعیت سندیکاها را لغو کند." او اواسط مهرماه گذشته، چند هزار دانشجوی در اعتراض به نحوه تعیین شهریه‌های دانشگاه دست به تظاهرات زدند. در همین حال، قرار است روز ۱۹ آبان ماه، پنج مرکز سندیکایی باقی مانده در مجارستان برای نخستین بار متحداً بر ضد خصوصی سازی بیمارستان‌ها تظاهرات کنند.

تورمر می‌گوید: "این مبارزات بسیار شبیه مبارزاتی است که در بریتانیا، فرانسه و آلمان در جریان است... جنبش‌های ما برای دفاع از حقوق اجتماعی و اقتصادی‌مان و نیز از آزادی سیاسی برای چنین دفاعی، باید در کنار یکدیگر بایستند."

ادامه نودمین سالروز انقلاب اکتبر...

برای دستیابی به اهداف مرحله ای و استراتژیک آن بود. در این راستا عمده ترین وظیفه ما متحد و هماهنگ کردن جنبش های ضدامپریالیستی اصیل در سراسر جهان است... کمونیست ها در طول یک قرن گذشته نمونه های درخشانی از همبستگی مبارزه جوانه با خلق های درگیر مبارزه باقی گذاشته اند. هدایت این عرصه مبارزه مردمی از آنجا که در ارتباط تنگاتنگ با شعار استراتژیک جنبش کمونیستی در رابطه با انترناسیونالیسم پرولتری دارد، به دوش احزاب کمونیست است. ما بر این باوریم که همبستگی فعال با خلق های درگیر مبارزه چه در عرصه داخلی با سرمایه داری و ارتجاع محلی، و چه با امپریالیسم و ارتجاع بین المللی از عناصر با اهمیت مبارزه کمونیست ها برای صلح و سوسیالیسم در جهان است.

پیروزی از آن ماست!
به امید موفقیت در مبارزه برای صلح و سوسیالیسم
زنده باد همبستگی بین المللی"

گزارش روزنامه "مورینگ استار" از برگزاری جشن نودمین سالگرد انقلاب اکتبر

به دعوت کمیته هماهنگی احزاب کمونیست، در لندن، شماری از کمونیست‌ها از سراسر جهان برای گرامی داشت ۹۰مین سالگرد انقلاب اکتبر روسیه (در سال ۱۹۱۷) در "دانشگاه کمونیسم" گرد آمدند. رابرت گریفیتز، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، در سخنانی در مراسم گشایش این گردهمایی خطاب به هیئت‌های نمایندگی حاضر گفت که: "امروز، ما روزی را جشن می‌گیریم که دنیا را دگرگون کرد."

در ادامه مراسم، محمد امیدوار عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران طی سخنانی گفت که پیروزی طبقه کارگر در روسیه بخشی از روندی بود که مارکس آن را پیش بینی کرده بود. او در ادامه افزود که: "پیروزی انقلاب کبیر اکتبر نقطه آغاز دورانی نوین بود که نظم استعماری را به چالش کشید... انقلاب اکتبر نیروی راهی بخش برای کشورهای پیرامون اتحاد شوروی بود. نخستین اقدام دولت شوروی الفای همه پیمان‌هایی بود که روسیه تزاری بر کشور ما ایران تحمیل کرده بود."

به اعتقاد هریت روتلینگ، نماینده سازمان جوانان کمونیست بریتانیا، بدون تأثیر و سرمشق انقلاب روسیه، بعید نبود که انقلاب کوبا تحقق نیابد. او اضافه کرد که: "البته ما نباید بگذاریم"



دیگران این طور به ما بگویند که ما داریم آرمان‌ها و آرزوهایمان را در انقلاب‌های کشورهای دیگر می‌جوییم. نه، ما این انقلاب‌ها را به عنوان نمونه‌های عالی آنچه خلق‌ها می‌توانند به آن دست یابند، برجسته می‌کنیم."

ژو بین، دبیر اول سفارت چین در انگلستان گزارشی از کنگره اخیر (هفدهم) حزب کمونیست چین ارائه داد. او تأکید کرد که کنگره ۱۷ به اهمیت جهان بینی عملی حزب توجه خاصی داشته است، که به موجب آن مردم، محیط زیست و توسعه پایدار در اولویت قرار می‌گیرند.

در بخش دیگری از این گردهمایی، دنی دوران، عضو شورای ملی حزب کمونیست فرانسه طی سخنانی گفت که: "آنچه خواست انقلاب است، یک جامعه برتر، یک جامعه سوسیالیستی است. امروز، چشم انداز کمونیسم روشن‌تر و مشخص‌تر از همیشه است."

گیولا تورمر، صدر حزب کارگران کمونیست مجارستان در صحبت‌هایش گفت که: "آرمان‌های انقلاب کبیر اکتبر زنده و برحق‌اند. اما این کافی نیست که انقلاب را جشن بگیریم، بلکه باید آن آرمان‌ها را تحقق بخشیم."



جمعیت ده میلیونی
مجارستان زندگی
مناسبی دارند.
تورمر می گوید
که "مردم، هر روز
بیشتر از روز پیش،
از دوران
سوسیالیستی تحت
ریاست دولت
یانوش کادار به
عنوان دوران خوب
گذشته یاد می کنند

پای صحبت گیولا تورمر، کمونیست باسابقه مجارستان

روز ۱۵ آبان ماه، گیولا تورمر، صدر حزب کارگران کمونیست مجارستان، به همراه شش عضو دیگر رهبری این حزب، در دادگاه محاکمه و به دو سال زندان محکوم شدند. گیولا تورمر، در آستانه این محاکمه، در گفتگویی با جان فاستر، دبیر بخش بین المللی حزب کمونیست بریتانیا از دشواری های کمونیست های مجاری سخن می گوید. گیولا هشدار می دهد که پیگرد رهبران حزب کمونیست مجارستان طلایه سرکوب همه نیروهای مترقی در اتحادیه اروپاست.

که در آن امنیت کامل شغلی، آموزش و پرورش و مراقبت های اجتماعی رایگان برای همه تأمین بود. اما امروز، بسیاری از خانواده ها حتی برای کسب درآمد کافی برای تهیه ضروریات زندگی با مشکل روبرو هستند. " این وضع موجب تشدید مخالفت مردم با برنامه های دولت برای خصوصی سازی باقیمانده دارایی های عمومی، مثل مسکن و بهداشت و درمان و آموزش و پرورش شده است. حزب کارگران کمونیست مجارستان پیشاهنگ این مخالفت بوده است.

در سال ۲۰۰۴، حزب کارگران کمونیست کارزار جمع آوری ۳۰۰/۰۰۰ امضا برای درخواست برگزاری یک همه پرسی در مورد خصوصی سازی بیمارستان ها را سازمان دهی کرد. این همه پرسی برگزار شد. به رغم تبلیغات گسترده رسانه ها در نشان دادن خصوصی سازی به عنوان یک عامل پیشرفت، دولت توانست فقط با اختلافی بسیار کم، یعنی ۵۰ هزار رأی از ۴ میلیون رأی، در این همه پرسی برنده شود.

نظرسنجی های پیش از انتخابات که مدت کوتاهی پس از همه پرسی برگزار شد نشانگر آن بودند که حمایت مردمی از حزب کارگران کمونیست از میزان ۴ درصد قبلی بیشتر شده است، که این می توانست برای حزب سوسیالیست مشکل زا باشد، چرا که این حزب با اکثریت کوچک و شکننده ای در برابر حزب مخالف محافظه کار قدرت را در دست داشت (حزب محافظه کار وارث و ادامه دهنده سیاست های ارتجاعی و قشری گری مذهبی سال های دهه ۳۰ میلادی است). در نتیجه، سوسیالیست ها در پی جلب همکاری حزب کارگران کمونیست برآمدند که در همان زمان شماری نماینده و شهردار در مناطق مختلف داشت، و قول مقام هایی را در دولت های ایالتی و شهری به این حزب دادند. زمانی که کمونیست ها از این معامله سر باز زدند، سوسیالیست ها به تلاش برای تفرقه افکنی در صفوف حزب دست زدند. بخش کوچکی از رهبری حزب رو در روی اکثریت قرار گرفت و از آنها خواست که پیشنهاد سوسیالیست ها را بپذیرند. وقتی که این عده از حزب اخراج شدند و تصمیم اکثریت حزبی در کنگره بعدی

گیولا تورمر که برای سخنرانی در دانشگاه کمونیست و دیدار و گفتگو با چپگرایان بریتانیایی در مورد این تجاوز تازه به حقوق مدنی در اروپای شرقی به لندن رفته بود، در گفتگویی با نشریه مورنینگ استار گفت که حمایت و همبستگی سراسری در اروپا مایه قوت قلب او بوده است. گفتنی است که در اعتراض به این محاکمه تظاهراتی در برلین، پراگ، لندن، هلسینکی، مینسک و مسکو برگزار شد. همچنین، ۳۳ نماینده سنای ایتالیا و ۲۲ نماینده پارلمان اروپا نامه ای را در اعتراض به این محاکمه امضا کرده اند.

تورمر از سال ۱۹۸۹ میلادی (۱۳۶۸خ)، که حزب کارگران کمونیست مجارستان پایه گذاری شد، سمت صدارت حزب را به عهده داشته است. در زمان سقوط دولت سوسیالیستی مجارستان، او مشاور ارشد کارولی گراش، آخرین دبیرکل حزب کارگران سوسیالیست مجارستان و پیش از آن مشاور ارشد یانوش کادار در زمینه سیاست خارجی بود. در مذاکرات دشواری که در اواخر دهه ۸۰ میلادی با رهبران شوروی صورت گرفت، او نقشی کلیدی داشت. وقتی که راستگرایان در سپتامبر ۱۹۸۹ حزب کارگران سوسیالیست مجارستان را منحل و اموال آن را حراج و غارت کردند، و سپس آن را با نام حزب سوسیالیست بار دیگر برپا کردند، آقای تورمر در دسامبر همان سال چپگرایان را دور هم جمع کرد تا حزب کمونیست را ابقا کنند. او با یادآوری آن روزها می گوید: "آنها پول ها و املاک را گرفتند و بردند، ما هم مارکس را؛ در آن معامله این ما بودیم که سود بردیم."

حزب سوسیالیست مجارستان بین سال های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ حزب حاکم بر مجارستان سرمایه داری شد، و از سال ۲۰۰۱ به این سو نیز حکومت را در دست داشته است. این حزب سیاست های افراطی نولیبرالی در زمینه خصوصی سازی صنایع و بخش دولتی و نیز حمایت از ناتو در زمینه اعزام نیروهای نظامی مجاری به کوزوو، عراق و افغانستان را در پیش گرفته است. مخالفت فزاینده مردمی بر ضد این سیاست های راستگرایانه، بهانه حمله به حزب کارگران کمونیست شده است. مجارستان امروز شاهد نابرابری فزاینده و ویرانی صنایع داخلی است. در سال های دهه ۹۰ میلادی، شرکت های چندملیتی خارجی به مجارستان روی آوردند. این شرکت ها که اکنون بیشتر از ۸۰ درصد تولید صنعتی مجارستان را در کنترل خود دارند و بر بخش های سود ده چنگ انداخته اند، از لحاظ جغرافیایی به طور عمده در غرب کشور متمرکزند. با وجود این، ۷۰ درصد کارگران و کارکنان صنعتی در نگاه های کوچک و متوسط شاغلند که زیر فشار طاقت فرسایی قرار دارند.

تعاونی های کشاورزی در شرق کشور که روزگاری در اوج رونق و شکوفایی بودند، و نیز مناطق صنعتی اطراف بوداپست و شمال کشور، امروز ویران شده اند. بیکاری روز به روز بیشتر می شود. دستمزدها از یک سوم دستمزدها در بریتانیا هم کم ترند. سه میلیون نفر در فقر شدید به سر می برند و فقط یک میلیون نفر از

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۳۰۰ دلار

کمک مالی از اتاوا

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 777
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

10th November 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse